



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2023.18381.2222

Analysis of the Theme of Gratitude in the Dua Arafah of Imam Hussain (A.S.)

Mohammad Mostafaei^{1*}

Batool Geraily²

Farzad Dehghani³

Abstract

Gratitude is one of the most important moral-religious virtues, as far as one can say gratitude is not only a moral virtue but the soul of all virtues because according to the Qur'an, the options before humans are either out of gratitude or out of disbelief. The dua Arafah of Imam Hussain (a.s.) is a long dua that the main theme of which is praising and thanksgiving to God, and from this point of view, it is a suitable source for defining and inferring different aspects of thanksgiving with a religious approach, which is the purpose of this research. To achieve the goal of this research, thematic analysis method was chosen because it is an efficient method for organizing and enriching scattered qualitative data. In the lexical and idiomatic analysis of gratitude, it became clear that the truth of gratitude is the fulfillment of one's right in the sense of "providing satisfaction". The theme analysis of thanksgiving in the dua Arafah, while confirming the above proposition, from a total of 70 basic themes and 10 organizing themes, resulted in three overarching themes of "blessing", "argument of praising and thanksgiving to God" and "how to praise and thank God". In fact, all the themes related to gratitude in the dua Arafah are categorized under the three general headings above and these three axes are explained through the organizing themes related to each one.

Keywords

Gratitude, the Dua Arafah, Imam Hussain (a.s.), Praise, Blessing.

Article Type: Research

1. Responsible Author. Assistant Professor in Department of Quran and Hadith Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: m.mostafaei@hsu.ac.ir

2. Master of Quran and Hadith Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: faezegeraily@gmail.com

3. Assistant Professor in Department of Quran and Hadith Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: f.dehghani@hsu.ac.ir

Received on: 22/02/2023 Accepted on: 12/09/2023

Copyright © 2023, Mostafaei, Geraily & Dehghani

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2023.18381.2222

تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه‌ی امام حسین (ع)

محمد مصطفائی^۱
بتول گرایلی^۲
فرزاد دهقانی^۳

چکیده

شکر از مهمترین فضائل اخلاقی-دینی است تا آنجا که می‌توان گفت شکر نه تنها یک فضیلت اخلاقی بلکه باطن و روح آن‌هاست چراکه به تصریح قرآن، گزینه‌های پیش روی انتخاب انسان، بیرون از دوگانه‌ی شکر یا کفر نیست. دعای عرفه‌ی امام حسین (ع)، دعایی طولانی است که عمده‌ی مضامین آن پیرامون حمد و شکر خداوند است و از این نظر، برای تعریف و استنباط ابعاد مختلف شکر با رویکرد دینی که هدف پژوهش حاضر است، منبعی مناسب به نظر رسید. برای نیل به هدف این پژوهش روش تحلیل مضمون انتخاب گردید زیرا روشی کارآمد برای سامان‌دهی و غنی‌سازی داده‌های کیفی پراکنده است. در بررسی لغوی و اصطلاحی شکر، روشن شد که حقیقت شکر، ادای حَقِّ مُنْعَم به معنای «تأمین رضایت» اوست. تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه ضمن تأیید گزاره‌ی فوق، از مجموع ۷۰ مضمون پایه و ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده، سه مضمون فراگیر «نعمت‌شناسی»، «چرایی حمد و شکر» و «چگونگی حمد و شکر» را نتیجه داد. در واقع تمامی مضامین مرتبط با شکر در دعای عرفه، ذیل سه عنوان کلی فوق دسته‌بندی و این سه محور، به واسطه‌ی مضامین سازمان‌دهنده‌ی مرتبط با هریک، تبیین می‌شوند.

کلیدواژه‌ها

شکر، دعای عرفه، امام حسین (ع)، حمد، نعمت.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول).

mostafaei60@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. faezegeraily@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. f.dehghani@hsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

شکر از مهم‌ترین فضائل اخلاقی - دینی است تا آن‌جا که می‌توان گفت شکر نه تنها یک فضیلت اخلاقی بلکه باطن و روح آن‌هاست چراکه به تصریح قرآن، گزینه‌های پیش روی انتخاب انسان، بیرون از دوگانه‌ی شکر یا کفر نیست (الانسان: ۳). شکر تجلی توحید است و کفر، زاده‌ی شرک. شکر، شیرین‌ترین رابطه‌ی عبد و مولاست، آن‌گاه که کثرت و زینت نعمت‌ها بنده را به نعمت دهنده رهنمون می‌شوند و به سرچشمه تشنه می‌کنند. آن‌جا که آن منعم بی منت، لب به گلایه می‌گشاید که «قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (الاعراف: ۱۰) و حتی «قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ» (سبأ: ۱۳)، باید اشاره را گرفت که لابد در این شکر ضرورت و عظمتی نهان گشته هم‌راستا با هدف خلقت انسان و مطابق منفعت انسان، وگرنه خداوند حکیم و آن منعم کریم منزّه است از حساب کشی در برابر نعمت‌ها، که او غنی مطلق و حمید است و پیش از اظهار نیاز مخلوق، خود ابتداء به انعام نموده است. مفهوم شکر، آن سهل ممتنعی است که از سویی زمینه در فطرت‌ها و از سویی پیوند در اوج عروج مخلصین دارد. امروزه در روانشناسی مثبت‌نگر، مهارت شکر و سپاس‌گزاری یکی از موضوعات اصلی به‌زیستی و شادکامی تلقی می‌شود (پسنندیده، ۱۳۹۵ش، ۴۵۶) و کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مختلفی در راستای تبیین ابعاد مختلف آن برگزار می‌شود.

البته به نظر می‌رسد رویکردهای روانشناسی به شکر، بیشتر جنبه مادی دارند و به دنبال حال خوب و جذب بیشتر نعمت در این دنیا هستند؛ با این وصف، این‌که حقیقت شکر در رویکرد دینی که رویکردی جامع است و سعادت دنیا و آخرت فرد، هر دو را در بر می‌گیرد، نیازمند تبیین است. در این راستا تحقیقات زیادی انجام شده است اما تاکنون مضمون شکر در دعای عرفه که جلوه‌گاه شکر است، به صورت استدلالی مورد بررسی قرار نگرفته است. دعای عرفه از زبان یکی از بهترین شاگردان مکتب قرآن و پیامبر (ص) و از شاگردان حقیقی صادر شده است. امام حسین (ع) در این دعا که عمده مضامینش بر شمردن نعمت‌های خداوند است، چگونگی مواجهه با منعم حقیقی را در یک رابطه و گفتگوی توحیدی به تصویر می‌کشد. مسأله پژوهش حاضر تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه است و درصدد است با بکار بستن مراحل روش تحلیل مضمون، چپستی، چرایی و چگونگی شکر در دعای عرفه را تبیین کند.

ارائه‌ی گزارشی مختصر از وضعیت سندی و تاریخ صدور دعای عرفه، پیش از بررسی پژوهش‌های مرتبط با این دعای شریف، مناسب به نظر می‌رسد. کهن‌ترین اثری که

حاوی دعای عرفه است « اقبال الاعمال » سیدبن طاووس است. برخی کتب رجالی در مورد راویان دعا که بشر و بشیر اسدی هستند، ذکری به میان نیاورده و برخی دیگر ایشان را مجهول الحال شمرده‌اند. البته در اصول کافی از این راویان روایاتی نقل شده که این موضوع خود می‌تواند قرینه‌ای بر وثاقت آنان باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱۱). گذشته از آن، چنان‌که علامه محمدتقی جعفری در مقدمه‌ی تفسیرش بر دعای عرفه بیان می‌دارند، علی‌رغم عدم یقین محدثین بزرگوار به سند دعای عرفه، محتوای این دعای شریف مطابق با اصل معروف «دَلَالَتُهُ تُغْنِي عَنِ سَنَدِهِ» به قدری با عظمت و مطابق اصول است که از سند بی‌نیازست و چنین محتوای بلندی در حکمت و عرفان جز از زبان انبیای عظام و ائمه‌ی معصومین نمی‌تواند صادر شده باشد (جعفری، ۱۳۹۲ش، ۲۹). در مورد تاریخ صدور دعای عرفه در منابع حدیثی ذکری به میان نیامده اما آنچه قریب به یقین می‌توان گفت عدم صدور دعا در روز عرفه‌ی آخرین حج امام حسین (ع) است، زیرا امام در سفر حجی که قبل از واقعه کربلا نمود در عرفات توقف نداشت.

بر دعای عرفه شرح و تفسیرهای مختلفی نوشته شده است و محتوای آن از برخی زوایا مورد تحلیل قرار گرفته است، اما به کارگیری روش تحلیل مضمون و به‌ویژه تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه فاقد پیشینه است. با این وجود گزارشی از پژوهش‌های پیشین و نتایج آن‌ها ارائه می‌گردد:

مرتبط‌ترین اثر به پژوهش حاضر، مقاله‌ای همایشی با عنوان «جلوه‌ی شکر در دعای عرفه (رضوانی‌پور، ۱۳۹۱ش) است. این تحقیق، پس از تعریف لغوی و اصطلاحی شکر، بررسی رابطه شکر با حمد و تبیین اهمیت و فضیلت شکر، عجز انسان از ادای شکر واقعی خداوند را بیان می‌کند. سپس چگونگی درخواست بهره‌مندی از نعمت‌های متعدد الهی اعم از ظاهری و معنوی و طلب توفیق ادای شکر منعم از سوی آن حضرت مورد توجه قرار می‌گیرند. در گام بعدی با اشاره به سپاس‌گزاری حضرت در مقابل برخورداری از رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه و بیان تفاوت میان آن‌ها، ارکان شکر شامل: معرفت، حال و عمل و رابطه بین این ارکان در دعای عرفه تشریح می‌شود و با تبیین نحوه رعایت ادب شکر از سوی آن امام همام، مراتب شکر اعم از: شکر در خوشی‌ها، شکر در ناخوشی‌ها، و شکر به دیدن جمال منعم، توضیح داده می‌شود. در پایان، چگونگی اتّصاف امام حسین (ع) به حقیقت شکر با توجه به نگرش توحیدی ایشان تبیین می‌گردد.

یادآور می‌شود نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش مذکور، در روش تحلیل آن است. روش تحلیل مضمون، روشی است کل‌نگر که می‌توان آن را در مورد دعاها، خطبه‌ها، کتاب‌ها و باب‌های مختلف حدیثی به‌کار بست و از نتایج متفاوت و دقیق آن در پژوهش بهره برد؛ چنان‌که به عنوان نمونه، نویسندگان مقاله «آسیب‌شناسی جامعه اسلامی مبتنی بر تحلیل محتوای خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)»، جزئی‌نگری بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته درباره این خطبه را معضل آن‌ها دانسته و در مقابل، دستیابی به روح کلی حاکم بر خطبه و تبیین اهداف آشکار و پنهان ایراد خطبه را رهاورد کاربست روش تحلیل محتوا با تکنیک تحلیل مضمون معرفی می‌کنند (سجادی و همکاران، ۱۴۰۲ش).

حُسن پژوهش‌های روش‌مندی مثل تحلیل مضمون در این است که اولاً تمامی فرازهای دعا مورد مذاقه قرار می‌گیرد و احتمال از دست رفتن نکات مرتبط بسیار پایین می‌آید. ثانیاً، سیر رسیدن به یافته‌ها به صورت استدلالی است و فرآیند نتیجه‌گیری برای مخاطب روشن است.

اخوان‌مقدم و دیگران (۱۳۹۶ش) در مقاله‌ی «تحلیل محتوای دعای عرفه‌ی منسوب به امام حسین (ع)» به نتایجی دست یافته‌اند که در ارتباط با ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر مفید به نظر می‌رسد. این نتایج حاکی از آن است که ۵۵ درصد محتوای دعا را محور خداشناسی، حدود ۳۵ درصد را محور انسان‌شناسی و ۱۰ درصد باقی مانده را دیگر محورها (راه‌ماشناسی، هستی‌شناسی و معادشناسی) به خود اختصاص داده است. نکته‌ی حائز اهمیت آن‌جاست که در محور خداشناسی، توجه به افعال خدا، آن هم به‌طور ویژه نعمت بخشی خداوند به انسان، مورد بحث بوده است (حدود ۱۲۰ مورد از ۱۶۵ مورد مضمون پیرامون خداشناسی، ذکر نعمت‌ها بوده است). افزودن مضمون‌هایی از محور انسان‌شناسی، مثل شناخت ابعاد ظاهری جسم انسان و مواردی از این دست که به نوعی کارکرد یادکرد از نعمت‌ها را دارند، به‌دست می‌دهد که بخش قابل توجهی از کل محتوای دعای عرفه را «ذکر نعمات» به خود اختصاص داده است.

نویسندگان مقاله‌ی «شیوه‌های تقویت باورهای اعتقادی در قرآن کریم و دعای عرفه‌ی امام حسین (ع)» نیز در کنار دو راهکار شهود (عالم را محضر خدا دیدن) و احاطه (خود و جهان هستی را تحت مدیریت مطلقه‌ی حق تعالی دانستن)، راهکار افاضه (به معنای توجه و تمرکز کردن به مواهب و عطایای بی حساب منعم هستی‌بخش به انسان) را از راهکارهای تقویت باورهای اعتقادی در دعای عرفه ذکر کرده‌اند (توانایی، ۱۳۹۶ش).

مقاله‌ی «دعای عرفه و سبک زندگی اعتقادی»، این دعا را به مثابه کلاس درسی برای

تربیت اعتقادی در نظر گرفته است که در آن مربی که امام حسین (ع) است، متریان را با بازگرداندن به فطرت خود به تربیت توحیدی رهنمون می‌شود. در حرکت تربی جان‌مایه و لازمه‌ی معرفت‌الله، معرفه‌النفس است و حاصل این هر دو عبودیت است و «یادآوری نعمت‌ها» از لوازم عبودیت شناخته شده است (علاء‌الدین و دیگران، ۱۳۹۹ش).

لازم به ذکر است گرچه درباره تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه پژوهش مستقلی انجام نشده است ولی تحقیق درباره شکر به عنوان یک مفهوم مستقل و بنیادین در آیات و روایات دارای پیشینه است که پژوهشگران از زوایای مختلف بدان پرداخته‌اند. از جمله مقالاتی با عنوان «حوزه معنایی شکر در قرآن کریم» (مصلاهی پور عباس و دیگران، مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱۵، ۱۳۹۳ش)، «باب شکر کافی در سنخش با قرآن» (خرقانی، حسن و دیگران، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۲، ۱۳۹۴ش) و «تبیین جایگاه شکر و قدردانی در آموزه‌های اسلامی» (سالاروند، ابراهیم، مجله معرفت، شماره ۲۴۱، ۱۳۹۶ش).

برای کسب نتایج معنادار از پژوهش‌های کیفی، کاربست روش مناسب در تحلیل داده‌ها الزامی است. روش تحلیل مضمون یک روش عام و مشترک و به قولی اولین روش تحلیل کیفی است که البته انواع مختلفی دارد (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹ش؛ ش ۳۳ و سراسر اثر). تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط که نهایتاً به یک مشاهده‌ی نظام‌مند منجر می‌شود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰ش). هدف از تحلیل مضمون ارائه‌ی حکایتی مختصر، منسجم و منطقی از داده‌های متن پیرامون مضمون است. به عبارتی در فرآیند تحلیل مضمون داده‌های پراکنده و متنوع تبدیل به داده‌های غنی و تفصیلی می‌شوند (نک: همان).

قالب تحلیل مضمون، شناخت مضمون است. «مضمون» پرارزش‌ترین واحد در تجزیه و تحلیل محتواس است که معنای خاص مستفاد شده‌ای از یک کلمه جمله یا پاراگراف است. مضمون یک ویژگی تکرارشونده و متمایز در متن است که از نظر پژوهشگر به سؤالات تحقیق مربوط می‌شود (همان).

ممکن است یک جمله چند مضمون داشته باشد یا یک پاراگراف از متن تنها یک مضمون داشته باشد. شعور متعارف، مرور ادبیات نظری، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع در نحوه شناخت مضامین کمک کننده و تاثیرگذار هستند (همان؛ شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹ش؛ سراسر اثر). توجه به دو دسته کلمات تکراری و کلیدی از جمله راه‌های شناخت مضمون در متن پژوهی هستند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰ش).

نوع مضمون بکار گرفته شده در این پژوهش از نوع طبقه‌بندی فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه است که با ملاک جایگاه مضمون در شبکه مضامین طبقه‌بندی شده‌اند. مضامین پایه همان کدها و نکات کلیدی متن، مضامین سازمان‌دهنده مضامین بدست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و مضامین فراگیر مضامین عالی در برگزیده‌ی اصول حاکم بر متن به مثابه کل هستند. به این ترتیب متن نظام‌مند شده و مضامین به صورت شبکه‌ای تارنما طراحی و روابط میان آن‌ها نشان داده خواهد شد.

چگونگی روش تحلیل مضمون در پژوهش حاضر بدین نحوست که ابتدا مضامین پایه که کدها و نکات کلیدی متن هستند از اصل متن استخراج می‌شوند سپس در مقوله‌هایی که مضامین سازمان‌دهنده نام می‌گیرند ترکیب و تلخیص می‌شوند و در نهایت مضامین فراگیر که اصول حاکم بر متن هستند، از مضامین سازمان‌دهنده انتزاع می‌شوند.

۲. لغت‌شناسی واژه‌ی شکر و برخی مفاهیم مرتبط

چنان‌که گذشت در استخراج مضامین مربوط به شکر از دعای عرفه نیازمند آشنایی با واژگان کلیدی هستیم. سه واژه مهم در این باره عبارتند از نعمت، شکر و حمد که در ادامه به اختصار از آن‌ها بحث می‌شود:

نعمت: راغب اصفهانی، نعمت را «الحالةُ الحسنَةُ» معنا کرده است (۱۴۰۴ق، ۸۱۴). حالتی نیکو که انسان از آن لذت می‌برد (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۷: ۸۵). ابن‌منظور آن را به نرمی و ملایمت و انعطاف معنا کرده و آن را در مقابل بؤساء (شدت و سختی) قرار داده است (۱۴۱۴ق، ۱۲: ۵۷۹).

ریشه‌ی «ن ع م» به معنی نرمی و ملایمت و علت نام‌گذاری آن است که نعمت برای دریافت‌کننده مناسب و مفیدست و با وجود او ملائمت دارد، به اصطلاح اهل معقول، نعمت چیز است که در جهت کمال شیء واقع شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ش، ۴۶).

شکر: واژه‌ی شکر به معنی «تصور نعمت و اظهار آن» است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۴۶۱). بنابراین شکر در جایی مطرح است که پای نعمتی در میان باشد اما این‌که تصور و اظهار نعمت به چه معناست، نیازمند تبیین است. آنچه از روایات و کتب لغت برمی‌آید، اظهار نعمت در مقابل کفر و پوشاندن آن، صرفاً به معنای اقرار به انعام منعم نیست بلکه این اظهار نعمت زمانی منجر به شکر حقیقی می‌شود که رضایت منعم را مد نظر داشته باشد. ابوهلال عسکری در تعریف شکر، بر ادای حق منعم تأکید می‌کند: «إظهارُ حَقِّ النَّعْمَةِ لِقَضَاءِ حَقِّ الْمُنْعِمِ» (عسکری، بی‌تا، ۳۹) به نظر می‌توان

ادای حَقّ منعم را تأمین رضایت او در چگونگی اظهار نعمات و استفاده از آن‌ها ترجمه کرد؛ چنان‌که امام سجّاد (ع) در مناجات شاکران، حمدی را شایسته می‌داند که موافق با رضای خداوند باشد: «وَلَكُ الْحَمْدُ ... حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ» (قمی، ۱۳۹۳ ش، ۱۲۲-۱۲۳). این معنا یعنی تأکید بر کسب رضایت منعم در شکر، کاملاً مطابق با آموزه‌های قرآن است (نک: النمل: ۱۹؛ الاحقاف: ۱۵؛ الزمر: ۷).

حمد: واژه‌ی حمد در لغت به معنای ثنا و ستایش است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۳: ۱۵۵) و در اصطلاح، ستایش بر کار شایسته و صفت پسندیده‌ای است که به صورت اختیاری انجام و ظاهر شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۱۹).

مدح: ستایش نیکو است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۲: ۵۸۹) و آن هم به اعمال ارادی و اختیاری تعلق می‌گیرد و هم به صفات و ویژگی‌های غیر اختیاری (راغب‌اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ۲: ۴۱۱).

تفاوت حمد و شکر و مدح: حمد اعم از شکر است چراکه حمد در برابر هرگونه فعل نیکوی اختیاری ابراز می‌شود اما شکرگزاری فقط در برابر نعمت است. بنابراین هر شکری حمد است ولی هر حمدی شکر نیست. از طرف دیگر حمد اخص از مدح است چراکه در حمد، اختیاری بودن فعل نیکو شرط است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۶). حمد از گونه‌ای احساس تعظیم و خضوع نسبت به فردی سرچشمه می‌گیرد که خوبی‌هایی را در آن سراغ داریم. این طبیعت انسان است که در مقابل کمال و زیبایی درخور توجه، حالتی انفعالی، احساسی و عاطفی نسبت به آن پیدا کند و می‌خواهد در برابرش خضوع کند. البته علیرغم تفاوت مفهومی دو واژه‌ی حمد و شکر، از نظر مورد و مصادیق چنین تفاوتی در آنان به چشم نمی‌خورد (همان). ضمن آن‌که در مورد خداوند باید در نظر داشت که اولاً ذات اقدس او، حیات مطلق است و کاری غیر اختیاری از او سر نمی‌زد که حمد و مدحش تفاوتی کند و ثانیاً تمام آنچه از جانب او افاضه می‌شود خیر محض و عین نعمت است و شاید به همین دلیل است که در متون اسلامی واژه‌ی حمد پرکاربردتر از واژه شکر است. بنابراین در استخراج مضامین مربوط به شکر، واژه‌ی حمد را نیز باید مدنظر داشت.

۳. استخراج مضامین پایه و سازمان‌دهنده

گام نخست در فرآیند تحلیل مضمون، استخراج و تبدیل گزاره‌های مرتبط با مضمون مورد نظر (شکر) در متن به مضامین پایه‌ای است. پس از این مرحله، نوبت به انتزاع مضامین

سازمان‌دهنده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه می‌رسد. یادآور می‌شود چنان‌که در روش تحقیق ذکر شد، انتخاب عنوان در قالب مضامین سازمان‌دهنده، متأثر از مرور پیشینی ادبیات تحقیق و در نظر داشتن ابعاد مختلف قابل‌تصور برای شکر است.

جدول زیر نمایانگر مضامین پایه و سازمان‌دهنده است:

جدول شماره ۱: مضامین پایه و سازمان‌دهنده شکر در دعای عرفه

شماره گزاره	متن دعا	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده
۱	«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ»	ستایش خدایی که قدرت مطلق بر نعمت رسانی دارد.	وصف انعام منعم
۲	«وَلَا كُصْنِعِهِ صُنْعٌ صَانِعٍ»	ستایش بی‌مانندی آفرینش و نعمات خداوند	شناخت و وصف منعم
۳	«وَهُوَ الْجَوَادُّ الْوَاسِعُ»	ستایش بخشندگی فراگیر خداوند ۶-۲-۱-۵۴-۴۶	شناخت و وصف منعم
۴	«اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي،»	اقرار به ربوبیت ^۱ و بازگشت به سوی خدا قبل از ذکر نعمت آفرینش خود	شناخت و وصف منعم
۵	«وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّيِّئِينَ؛»	یادکرد نعمت حفظ نطفه خود در حوادث مختلف و گذر زمان	برشماری نعمات
۶	«إِبْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً،»	ذکر نعمت‌دهی آغازین خدا (نعمت حیات) بدون لیاقت و درخواست ما	وصف انعام منعم برشماری نعمات

۱. ذکر این نکته ضروری است که انعام خداوند از ربوبیت او سرچشمه می‌گیرد و در آیات مختلفی از جمله در سراسر سوره ضحی، ارتباط نعمات خداوند به صفت ربوبیت او مشاهده می‌شود و در نهایت با آیه مبارک «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» به اتمام می‌رسد.

برشماری نعمات	ذکر نعمت عدم آفرینش در زمانه حکمرانی کافران	«لَمْ تُخْرِجْنِي لِأَفِيكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي ذَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ»	۷
برشماری نعمات	ذکر نعمت آفرینش در دوران هدایت ذکر نعمت ایجاد آمادگی برای دریافت هدایت	«لَيْكَ أَخْرَجْتَنِي رَافَةً مِنْكَ وَتَحْنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي»	۸ ۹
برشماری نعمات	یادکرد نعمت خداوند و ظرائف رعایت شده در مراحل اولیه آفرینش انسان	«وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفَتْ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِي، وَأَسَكَنْتَنِي فِي ظِلْمَاتِ ثَلَاثِ بَيْنِ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ لَمْ تُنْهَدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي»	۱۰
برشماری نعمات	یادکرد نعمت خلقت در دوران هدایت (دولت اسلام) به صورت سالم و کامل	«ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامَةً سَوِيًّا»	۱۱
برشماری نعمات	ذکر نعمت‌های دوران طفولیت از تولد تا قدرت تکلم (از جمله شیر گوارا و عطوفت مادر و حفظ سلامتی)	«وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَعَظَّفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَكَأَلَّتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَبَانِ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الرِّيَاذَةِ وَالتَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ؛»	۱۲
برشماری نعمات	ذکر نعمت رشد متناسب و معتدل جسمانی در دوران کودکی از زمان تکلم تا بلوغ	«(حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ)؛ أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَانِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلَتْ مَرَّتِي»	۱۳

<p>برشماری نعمات</p>	<p>ذکر نعمت بلوغ و قدرت بر شناخت خدا و نعمات و دین او و مکلف شدن به بندگی اش</p> <p>ذکر نعمت توجه دادن به شکر و یاد خداوند</p>	<p>«حَتَّىٰ إِذَا اٰكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي وَاَعْتَدَلْتُ مِرَّتِي) اَوْ جَبَّتْ عَلَيَّ حَجَّتَكَ بِأَنْ اَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَعْتَنِي بِعَجَابِ حِكْمَتِكَ، وَابْتَقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَاَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَبَهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَاَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلِكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلَطْفِكَ»</p>	<p>۱۴ ۱۵</p>
<p>برشماری نعمات وصف انعام منعم</p>	<p>تأکید بر نعمت آفرینش از بهترین خاک (ثری) که علت بهره‌مندی از انواع نعمات است</p>	<p>«لَمَّ اِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ التُّرَى، لَمَّ تَرْضَ لِي يَا اِلٰهِي نِعْمَةً دُونَ اٰخِرِي، وَرَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرَّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ عَلَيَّ، وَاِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ اِلَيَّ»</p>	<p>۱۶</p>
<p>برشماری نعمات فوائد شکر وصف انعام منعم</p>	<p>یادکرد نعمت و احسان فراوان خداوند در ابتدای آفرینش</p> <p>شاکر بودن خدا</p> <p>شکر، موجب ازدیاد نعمت</p> <p>اکمال نعمت‌بخشی خداوند با وجود جهل و جسارت انسان</p>	<p>«حَتَّىٰ إِذَا اٰتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّعْمِ لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيَّ اَنْ دَلَلْتَنِي اِلَيَّ مَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يَزِلُّ لِفَنِي لَدَيْكَ، فَاِنْ دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِي، وَاِنْ سَأَلْتُكَ اَعْطَيْتَنِي، وَاِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَاِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلَّ ذَلِكِ اِكْمَالًا لِاَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَاِحْسَانِكَ اِلَيَّ»</p>	<p>۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰</p>
<p>شناخت و وصف منعم</p>	<p>اسمای حسناى الهی علت/ زمینه انعام الهی و اکمال آن</p>	<p>«فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِيِّ مُعِيدِ حَمِيدِ مُجِيدِ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ الْاَوْكُ»</p>	<p>۲۱</p>
<p>علل عدم امکان ادای حق شکر ضرورت برشماری نعمات</p>	<p>عدم امکان شمارش کامل نعمات و ذکر آن‌ها، دلیل عدم امکان شکر</p>	<p>«فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا اِلٰهِي اُحْصَى عَدَدًا وَذَكَرًا اَمْ اَيُّ عَطَايَاكَ اَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُوْنَ اَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْمُحَافِظُونَ»</p>	<p>۲۲</p>

<p>برشماری نعمات علل عدم امکان ادای حق شکر</p>	<p>دفع ضررها که حتی بیشتر از نعمت‌های ظاهر هستند، دلیلی دیگر بر عدم امکان شکر</p>	<p>«ثُمَّ مَا صَرَفْتِ وَدَرَأْتِ عَنِّي أَللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ»</p>	<p>۲۳</p>
<p>برشماری نعمات عدم امکان ادای حق شکر</p>	<p>شهادت خالصانه و با تمام وجود بر عدم امکان شکر حتی یک نعمت با عمری جاودان</p>	<p>«وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِّقِهِ إِيمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مُكْتَنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَحُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِزِّنِي وَمَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي وَمَا ضَمَمْتُ وَأَطْبَقْتُ عَلَيْهِ شَفْتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَعْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَمَسَاخِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَجَمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورِ صَدْرِي وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَنِيَاطِ جِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلاذِ حَوَاشِي كَبِدِي وَمَا حَوَّثَهُ شَرَّاسِيفِ أَضْلَاعِي وَجِجَاقِ مَفَاصِلِي وَقَبِضِ عَوَامِلِي وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي وَلِحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَسْرِي وَعَصْبِي وَقَصْبِي وَعِظَامِي وَمُخَى وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقَطَّنِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرَ وَاجِدِهِ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ»</p>	<p>۲۴</p>
<p>علل عدم امکان ادای حق شکر</p>	<p>علت عجز از شکرگزاری حتی یک نعمت آن است که امکان هر شکری منتهی است از جانب خدا که خود شکری دیگر را واجب می‌کند</p>	<p>«(أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرَ وَاجِدِهِ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ) (إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا)»</p>	<p>۲۵</p>

<p>عدم امکان ادای حق شکر</p>	<p>استناد به آیه قرآن برای ناتوانی همه انسان‌ها در شمارش تمامی نعمات</p>	<p>۲۶ «أَجَلٌ وَلَوْ حَرَصْتَ أَنْ نَا وَالْعَادُونَ مِنْ أُنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَانْفِهِ مَا حَصْرْنَا عَدْدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمْدَاهُنَّهَا إِيَّيْ ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ التَّاطِقِ، وَالنَّبَاءِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»</p>
<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده (اقرار زبانی و عملی به مراتب توحید)</p>	<p>اقرار به صدق دعوت و اخبار انبیای الهی پس از اقرار به ناتوانی خود در شکرگزاری و در نتیجه تمسک به آموزه‌های توحیدی قرآن برای ادای حمد و شکر الهی شکر در حد وسع: اقرار به توحید در خالقیت و تدبیر و...</p>	<p>۲۷ «صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنِّي أُوَكِّ وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائَكَ وَرُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ آتَى يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجَدِّي وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَوْزُونًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ فَيُرْفِذَهُ فِيمَا صَنَعَ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَقَطَّرَتَا سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ»</p>
<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده (تمسک به حمد اولیا)</p>	<p>تمسک به حمد ملائکه، انبیا، پیامبر خاتم و اهل بیت مخلص او (حمد مخلصین) برای ادای حمد الهی</p>	<p>۲۹ «الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَخْلُصِينَ وَسَلَّم»</p>
<p>برشماری نعمات</p>	<p>ستایش خدا برای آفرینش انسان و ارزانی داشتن نعمت سمع و بصر به او</p>	<p>۳۰ «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا»</p>

۱. گرچه ظاهر تعابیر مربوط به حمد است و نه شکر، اما از آن‌جا که بالاترین نعمت، نعمت هدایت به وسیله قرآن است (نک: الرحمن: ۲) و شکر این نعمت، اقرار به مضامین عالی آن درباره پروردگار هستی است، بنابراین حمد و ستایش خداوند با شمردن اسمای حسناى او از جمله صفت «صمد» که صراحتاً بر مقصود بودن خداوند در حوائج دلالت دارد، عین شکر است.

<p>برشماری نعمات وصف انعام منعم شناخت و وصف منعم</p>	<p>ستایش خدا برای رحمت او در آفرینش تام و تمام انسان لطف خداوند در عین بی نیازی او</p>	<p>«وَلَيْكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِمَهُ بِي وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا»</p>	<p>۳۱ ۳۲</p>
<p>برشماری نعمات جلوه‌های شکرگزاری درحد وسع بنده (صلوات) فوائد شکر</p>	<p>یادکرد نعمات مادی و معنوی گذشته برای طلب استمرار لطف الهی در حال و آینده صلوات از بالاترین جلوه‌های شکر و مقدمه درخواست نعمت بیشتر</p>	<p>«رَبِّ بِمَا بَرَاءَتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَسْأَلْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتَنِي رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِي وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَعَزَّنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتَى عَلَيَّ يَوْمَئِذٍ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَنَجَّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَكَفَّنِي شَرًّا مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ ...»</p>	<p>۳۳ ۳۴</p>
<p>وصف انعام منعم شناخت و وصف منعم</p>	<p>یادکرد عفو الهی نسبت به گناهان بزرگ و اسناد نعمت بخشی الهی به فضل و کرم خداوند</p>	<p>«يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النُّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ»</p>	<p>۳۵</p>
<p>شناخت و وصف منعم (توحید ربوبی)</p>	<p>خدا را ولی نعمت دانستن (و حذف هرگونه واسطه و غیر)</p>	<p>«يَا وَيْلَتِي فِي نِعْمَتِي»</p>	<p>۳۶</p>

شناخت و وصف منعم	یادکرد خداوند به قطع نکردن نعمت بخشی با وجود قلتِ شکرگزاری	«يَا مَنْ قَلَّ لَهُ سُكْرِي فَلَمْ يَحْرِ مَنِي»	۳۷
اقرار به غیرقابل شمارش بودن نعمات	اقرار به غیر قابل شمارش بودن نعمتها	«يَا مَنْ آيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى»	۳۸
عدم امکان ادای حق شکر	اقرار به قابل جبران نبودن الطاف و نعمتها	«يَا مَنْ آيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى» وَنِعْمُهُ لَا تُجَازَى»	۳۹
شناخت و وصف منعم	یادکرد احسان و لطف خداوند با وجود بدی و عصبان ما	«يَا مَنْ عَارَظَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَظَنِي بِالْإِسَاءَةِ وَالْعُصْيَانِ»	۴۰
برشماری نعمات	یادکرد منت خدا در نعمت هدایت به ایمان پیش از معرفت به طریق شکرگزاری این نعمت	«يَا مَنْ هَدَانِي لِإِلَافِيانٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ سُكْرَ الْإِيمَانِ»	۴۱
برشماری نعمات	ستایش و سپاس خداوند برای اقدام پیشینی در رفع نیازهای اولیه بدون اظهار آنها	«يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي، وَعُرِياناً فَكَسَانِي وَجَائِعاً فَأَشْبَعَنِي وَعَطْشَاناً فَأَزْوَانِي وَذَلِيلاً فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيداً فَكَثَّرَنِي وَغَائِباً فَرَدَّنِي وَمُقَلَّلاً فَاغْنَانِي وَمُنْتَصِراً فَنَصَّرَنِي وَغَنِيّاً فَلَمْ يَسْأَلْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ»	۴۲
اقرار به غیرقابل شمارش بودن نعمات	تأکید بر غیر قابل احصاء بودن نعمات و همچنین بخشش های ممتاز خداوند	«وَإِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ وَمِنَّتَكَ وَكَرَائِمَ مِنْكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ،»	۴۳

<p>شناخت و وصف منعم</p>	<p>ستایش و سپاس دائمی و ابدی خداوند با تأکید بر ولی نعمت بودن انحصاری او (تأکید بر توحید در انعام و ربوبیت)</p>	<p>۴۴</p> <p>«أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتِ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَخَّرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلَّتْ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي آيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَّيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصْبًا أَبَدًا»</p>
<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده (طاعت و عدم گناه) وصف انعام منعم عدم امکان ادای حق شکر</p>	<p>اقرار به نعمت‌دهی خداوند همزمان با اعتراف به گناهکاری خود و طلب غفران الهی با تمسک به بی نیازی خداوند از طاعت بندگان (در واقع شکر نعمت در گناه نکردن بلکه در طاعت خداوند است). ستایش خداوند برای غفران ذنوب و توفیق طاعت اقرار به تقصیر در شکر</p>	<p>۴۵ ۴۶ ۴۷</p> <p>«(ثُمَّ أَنْبَأَ يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرُهَا لِي أَنْبَأَ الَّذِي أَسَأْتُ أَنْبَأَ الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنْبَأَ الَّذِي هَمَمْتُ أَنْبَأَ الَّذِي جَهَلْتُ أَنْبَأَ الَّذِي غَفَلْتُ أَنْبَأَ الَّذِي سَهَوْتُ أَنْبَأَ الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنْبَأَ الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنْبَأَ الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنْبَأَ الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنْبَأَ الَّذِي نَكَيْتُ أَنْبَأَ الَّذِي أَقْرَرْتُ) أَنْبَأَ الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبِؤُ بَذُنُوبِي فَأَغْفِرُهَا لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ وَالْمَوْفِيُّ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي»</p>
<p>برشماری نعمات عدم امکان ادای حق شکر</p>	<p>اعتراف به گناه با اعضا و جوارح در حالی که آن‌ها نعمتهای خداوند هستند و نعمت نباید در نافرمانی صرف شود. اقرار به تقصیر در شکر</p>	<p>۴۸ ۴۹</p> <p>«فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلَكَ يَا مَوْلَايَ أَبَسْمَعِي أَمْ بِبَصْرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرُجُلِي أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتُكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ»</p>

<p>ضرورت برشماری نعمات</p> <p>اقرار به غیر قابل شماری بودن نعمات</p>	<p>تأکید بر شمارش نعمات در اقرار به آن‌ها با اعتراف به غیر قابل شمارش بودن آن‌ها</p>	<p>«وَإِقْرَارِي بِالْإِنِّكَ مُعَدَّدًا وَإِنْ كُنْتُ مُمَرًّا أَلَيْ لَمْ أَحْصِهَا»</p>	<p>۵۰</p>
<p>علل عدم امکان شمارش نعمات</p>	<p>بیان دلایل غیر قابل شمارش بودن نعمات: کثرت، کامل بودن، هم‌افزایی و استمرار آن‌ها از ابتدای خلقت تاکنون</p>	<p>«... لِكثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَطَاهُرِهَا وَتَقَادُهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبِرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ»</p>	<p>۵۱</p>
<p>اقرار به غیر قابل شماری بودن نعمات</p> <p>علل عدم امکان ادای حق شکر</p>	<p>تأکید بر غیر قابل شماری بودن نعمات خداوند و عدم توانایی بر ستایش درخور خداوند و جبران نعمات او حتی با یاری همه جهانیان از اول تا آخر</p>	<p>«وَلَوْ رَفَدْتَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعَ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصِي الْأَوْكُ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ»</p>	<p>۵۲</p>
<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسیع بنده (صلوات)</p> <p>فوائد شکر</p>	<p>صلوات از بالاترین جلوه‌های شکر و مقدمه درخواست اتمام نعمت</p>	<p>«صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتَّبِعْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ»</p>	<p>۵۳</p>
<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسیع بنده (صلوات)</p> <p>فوائد شکر</p>	<p>صلوات از بالاترین جلوه‌های شکر و مقدمه درخواست نعمت‌های برتر</p>	<p>«صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْعَلَتْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلَّيْتُهَا وَالْأَيُّ تُجَدِّدُهُ...»</p>	<p>۵۴</p>
<p>شناخت و وصف منعم</p>	<p>وصف خدا به بخشنده‌ترین بخشندگان</p>	<p>«وَأَوْسَعُ مَنْ أُعْطِيَ»</p>	<p>۵۵</p>

<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده (صلوات)</p> <p>فوائد شکر</p> <p>ضرورت برشماری نعمات</p>	<p>صلوات از بالاترین جلوه‌های شکر و مقدمه درخواست اتمام نعمت</p> <p>ذکر نعمات مقدمه شکر است</p> <p>استمداد از خدا برای قبولی شکر</p>	<p>«اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَبَيْتِكَ وَعَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَهَيِّئْ لَنَا عَطَاكَ وَارْتَبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَإِلَّا لَيْتَ ذَاكَرِينَ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»</p>	<p>۵۶</p> <p>۵۷</p> <p>۵۸</p>
<p>برشماری نعمات جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده (صلوات)</p>	<p>تصریح به رحمت و رحمت بودن پیامبر (ص) برای مسلمانان و جهانیان</p> <p>صلوات بر پیامبر (ص) در مقام شکر نعمت وجود پیامبر (ص)</p>	<p>«اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْأَهْلَ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ»</p>	<p>۵۹</p> <p>۶۰</p>
<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده (صلوات)</p>	<p>صلوات از بالاترین جلوه‌های شکر و مقدمه درخواست عفو الهی</p>	<p>«فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلِهِ الْمُتَتَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا»</p>	<p>۶۱</p>
<p>فوائد شکر</p>	<p>درخواست انواع نعمت‌هایی که میان مردم تقسیم می‌شود به برکت صلوات و عفو الهی</p>	<p>«فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةٍ تَسْرُرُهَا، وَبَرَكَهٍ تَنْزِلُهَا وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»</p>	<p>۶۲</p>
<p>فوائد شکر</p>	<p>شکر موجب ازدیاد نعمت است</p>	<p>«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلْنَاكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ»</p>	<p>۶۳</p>
<p>شناخت و وصف منعم</p>	<p>یادکرد خدا به عنوان بهترین منبع رفیع حوائج</p>	<p>«يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ»</p>	<p>۶۴</p>

<p>شناخت و وصف منعم (محمود بودن خداوند نزد همه موجودات)</p>	<p>اخبار از تسبیح حامدانه همه موجودات و همراهی با آن‌ها در اختصاص حمد به خداوند</p>	<p>«وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعَلَوُ الْجَدِّ»</p>	<p>۶۵</p>
<p>شناخت و وصف منعم</p>	<p>کریم بودن خداوند در جود و بخشش</p>	<p>«يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْأَبَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ»</p>	<p>۶۶</p>
<p>فوائد شکر</p>	<p>شکر نعمات سپری برای در امان ماندن از مکر الهی و استدرج (استمرار نعمت‌رسانی و ازدیاد آن با وجود معاصی)</p>	<p>«فَلَكَ الْحَمْدُ ... اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَمُكِّرْ بِي وَلَا تُسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي»</p>	<p>۶۷</p>
<p>جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده (صلوات) فوائد شکر</p>	<p>صلوات از بالاترین جلوه‌های شکر و مقدمه درخواست اتمام نعمت</p>	<p>«صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي أَنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يُضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْئَلُكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»</p>	<p>۶۸</p>
<p>شناخت و وصف منعم</p>	<p>اختصاص تمام حمد به خداوند بخاطر اختصاص تمام ملک به او</p>	<p>«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ»</p>	<p>۶۹</p>
<p>شناخت و وصف منعم</p>	<p>اذعان به قدرت مطلقه خداوند (در نعمت‌بخشی و ...) و اتصال انتهای دعا به ابتدای آن</p>	<p>«لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ.»</p>	<p>۷۰</p>

چنان‌که از جدول فوق برمی‌آید برای ۷۰ مضمون پایه، در نهایت ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده استخراج شد. در گام بعدی نوبت به انتزاع و استنباط مضامین کلی و فراگیر از این مضامین سازمان‌دهنده می‌رسد.

۳-۱. مضمون فراگیر «نعمت‌شناسی»

از ترکیب و تلخیص مضامین سازمان‌دهنده، در مجموع ۳ مضمون فراگیر با عناوین

نعمت‌شناسی، چرایی حمد و شکر و چگونگی حمد و شکر به دست آمد. به منظور تشریح بهتر، مناسب به نظر رسید که جدول مربوط به فرآیند استنباط هر مضمون فراگیر که مشتمل بر مضامین سازمان‌دهنده و پایه‌ی مربوط به آن است، جداگانه بیاید.

جدول شماره ۲: مضمون فراگیر نعمت‌شناسی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	نشانی مضامین پایه (مندرج در جدول شماره ۱)
نعمت‌شناسی	برشماری نعمات (شامل انواع نعمات مادی، عاطفی، روحی و نعمات ویژه)	۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۲۲-۲۳-۲۴-۳۰-۳۱-۳۳-۴۱-۴۲-۴۸-۵۰-۵۸-۵۹
	اقرار به غیر قابل شمارش بودن نعمات	۳۸-۴۳-۵۰
	علل غیر قابل شمارش بودن نعمات	۵۱
	ضرورت برشماری نعمات (در عین بی‌شماری)	۲۲-۵۰-۵۸

اهتمام و عنایت امام حسین (ع) در دعای عرفه به برشماری نعمت‌ها جدی، جامع و در عین حال دقیق بوده است. به‌طوری که بخش قابل توجهی از دعا را برشماری و یادکرد انواع نعمت‌ها به خود اختصاص داده است. ایشان از ذکر دقیق‌ترین و ظریف‌ترین نعمات جسمانی تا گستره‌ی نعماتی که مناسب نیازهای عاطفی و روحی انسان هستند، فروگذار نفرموده است. همچنین نعمات اصلی و ویژه‌ای چون نعمت حیات، فطرت، ادراک، هدایت و نعمت وجود پیامبر (ص)، مدنظر شریف امام (ع) بوده است.

در پی برشماری و یادکرد نعمت‌ها در خلال حمد و سپاس، امام حسین (ع) مکرراً اذعان می‌دارند که چنانکه قرآن کریم فرموده است هیچ‌یک از انسان‌ها توان به شماره درآوردن نعمات خداوند را ندارند. به بیان ایشان، علل غیر قابل شمارش بودن نعمات ازین قرارند: کثرت نعمات، کمال و ممتازی نعمات، ترکیب و هم‌افزایی و استمرار آن‌ها. یادکرد امام (ع) از انواع نعمات در سراسر دعا و تصریح ایشان به این نکته که باید نعمات را شمرد، هرچند که غیر قابل شمارش هستند، مؤکد این نکته‌ی بسیار مهم است که عدم امکان به شماره درآوردن نعمات هرگز نباید موجب ترک یادکرد و شمارش آن‌ها شود بلکه به نظر می‌رسد نام‌بردن از یک‌یک نعمات، خود روشی برای ایجاد روحیه‌ی شکرگزاری است.

در خصوص مضمون سازمان‌دهنده «برشماری نعمات» و نحوه‌ی این برشماری در دعای عرفه، نکاتی در خور ذکر است که بدان اشاره می‌شود:

- امام (ع) برشماری نعمات را در راستای حمد و سپاس از ولی نعمت خویش قرار می‌دهد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ...؛ نک: سراسر دعا». در این باره طرح مثالی ساده، ظرافت بیان توحیدی امام (ع) را روشن‌تر می‌کند: جمله‌ی «من نعمت سلامتی را دارم» و جمله‌ی «خداوند به من نعمت سلامتی را داده است» در یادکرد از نعمت یکسان هستند اما در جمله‌ی نخست نگاه از منعم گسسته است و آلوده شدن به غرور دارایی منتعم را تهدید می‌کند، درحالی‌که در جمله‌ی دوم علاوه بر چشم نعمت بین، نگاه متصل به منعم است، یعنی نه تنها خود نعمت به چشم آمده بلکه توجه به نعمت‌دهنده نیز معطوف بوده است. به عبارتی از مهم‌ترین تفاوت‌های شکرگزاری با رویکرد دینی و رویکردهای غیر دینی در عطف توجه به مبدأ نعمت‌هاست. همچنین در جمله‌ی دوم احتمال مطرح شدن پرسش «چرایی انعام خداوند» بسیار بیشتر است. پاسخ به این سؤال، بیانگر خواسته‌ی ولی نعمت است و به چگونگی انجام شکر و شیوه‌ی درست آن، رهنمون می‌شود.

- امام حسین (ع) نه تنها نعمت‌های موجود را می‌بیند و سپاس می‌گوید، بلکه بلاهای دفع شده‌ای که تعدادشان از نظر ایشان از نعمات نیز بیش بوده‌اند را درخور یاد و موجب سپاس می‌دانند.

۲-۳. مضمون فراگیر «چرایی حمد و شکر»

جدول شماره‌ی ۳ مضمون فراگیر «چرایی حمد و شکر» و مضامین سازمان‌دهنده و پایه‌ی آن را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۳: مضمون فراگیر چرایی حمد و شکر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	نشانی مضامین پایه (مندرج در جدول شماره ۱)
چرایی حمد و شکر	شناخت و وصف منعم	۲-۳-۴-۲۱-۳۲-۳۵-۳۶-۳۷-۴۰-۴۴-۵۵-۶۴-۶۵-۶۶-۶۹ ۷۰
	وصف انعام منعم	۱-۶-۱۶-۲۰-۳۱-۳۵-۴۶
	فوائد شکر	۱۹-۳۴-۵۳-۵۴-۵۶-۶۲-۶۳-۶۷-۶۸

بنا بر گزاره‌های پایه مندرج ذیل مضمون «شناخت و وصف منعم»، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل و زمینه‌ای که انسان را به تعظیم در برابر رب و گشودن زبان به حمد و ستایش او برمی‌انگیزاند، شناخت منعم به یگانگی در انعام، ربوبیت و مالکیت است. تجمیع این میزان از قدرت، علم، حلم، رحمت و تمامی دیگر کمالات در یک و تنها یک حقیقت والا، بی‌شک ستودنی است چراکه انسان را از آوارگی و سرسپردگی به خدایان متعدد می‌رهاند (یوسف: ۳۹).

وجه دیگری که امام حسین (ع) ناظر به آن خداوند را می‌ستاید، اوصاف انعام خداوند است. این پرسامدترین علت و زمینه‌ی حمد در دعای عرفه، شامل مضمون‌هایی است از جمله: خداوند بدون نیاز به مخلوق و حتی پیش از خلقت مخلوق، ابتدا به انعام می‌کند، زمینه‌ی انعام او، جود و رأفت اوست و باوجود جرأت و جسارت بندگان، حلیمانه به انعام و اسعش ادامه می‌دهد.

در کنار علل حمد و ستایش خداوند، فوائد بیان شده برای شکر و سپاس‌گزاری خداوند نیز ذیل مضمون فراگیر حمد و شکر قرار می‌گیرند. فوائد مذکور از این قرار است: شکرگزاری زمینه‌ای است برای درخواست استمرار الطاف و نعمات بیشتر، همچنان‌که اجابت تضمین شده‌ی این درخواست از سوی خداوند نیز دیگر فایده‌ی مترتب بر شکر است. علاوه بر این، شکرگزاری نعمات، حالت توحیدی هوشیارانه‌ای است که از مکر خداوند و سرگرم شدن به نعمات و غافل شدن از منعم باز می‌دارد و به تعبیری، مانع تبدیل شدن نعمت به نعمت است.

۳-۳. مضمون فراگیر «چگونگی حمد و شکر»

جدول شماره‌ی ۴، مضمون فراگیر «چگونگی حمد و شکر» و مضامین سازمان‌دهنده و پایه‌ی آن را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: مضمون فراگیر چگونگی حمد و شکر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	شماره گزاره های مرتبط
چگونگی حمد و شکر	عدم امکان ادای حق شکر	۴۹-۴۷-۳۹-۲۶-۲۴
	علل عدم امکان ادای حق شکر	۵۲-۲۵-۲۳-۲۲
	جلوه های شکرگزاری در حد وسع بنده	۵۶-۵۴-۵۳-۴۵-۳۴-۲۸-۲۷ ۶۸-۶۱-۶۰

شکر، اظهار نعمت به منظور ادای حق منعم است (عسکری، بی تا، ۴۸). اما آن‌گاه که انسان از پی برشماری نعمت‌ها به این شهود می‌رسد که حتی از به شماره درآوردن نعمت‌ها عاجزست، چه رسد به ادای شکر حقیقی آن‌ها و به فرض گزاردن هرگونه شکری، آن شکر خود منتی است از جانب خداوند که شکر دیگری را واجب می‌کند، ادای حق شکر الهی غیر ممکن می‌نماید.

با نفی امکان ادای حق شکر الهی، بنده به نحوی از شکر ناگزیر می‌گردد که در حد وسع خود باشد. امام حسین (ع) وسع و وظیفه‌ی خود در برابر منعم را، به صورت شکر خداوند با اقراری از روی ایمان و یقین به مراتب و ابعاد توحید او از جمله این‌که خداوند فرزندی نگرفته، شریکی در فرمانروایی ندارد، احتیاج به هیچ یار و یاور ندارد و یکتا و بی‌نیاز است، به تصویر می‌کشد.

توحید نظری و عملی در واقع همان چیزی است که خداوند به عنوان ولی نعمت از ما خواسته است (عنکبوت: ۱۷). در قرآن کریم علاوه بر رابطه‌ی مستقیم شکر و توحید، بر رابطه‌ی تقابلی شکر با شرک نیز اشاره رفته است و گاه درجایی که سیاق آیه اقتضای ذکر عبارت «شکر نمی‌کنید» را دارد، عبارت «شرک می‌ورزید» جایگزین شده است (خوش‌قامت و همکاران، ۱۳۹۶ش، ۲۱-۲۲).

چنان‌که در چپستی شکر گذشت، شکر حقیقی زمانی اتفاق می‌افتد که رضایت منعم حاصل شود؛ از این‌رو، توجه به نعمت وجود پیامبر (ص) و تبعیت از ایشان که در ذکر صلوات متجلی است، یکی از شیوه‌های ادای شکر نعمت در بیان امام حسین (ع) است. گویا امام (ع) به مضمون آیاتی نظر دارند که در آن‌ها از سوی خداوند مؤمنان به صلوات بر پیامبر (ص) فرمان داده شده‌اند (الاحزاب: ۵۶) و یا این‌که تبعیت از پیامبر (ص) شرط صداقت در محبت و دوست داشتن خداوند، بیان شده است (آل‌عمران: ۳۱).

در راستای کسب رضایت منعم، از دیگر جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده، استغفار از ناسپاسی‌ها و قصورات گذشته مبنی بر کاربست نعمات در معصیت و خلاف رضایت منعم است. حتی برای قبولی شکر ناقص خود نیز باید از خداوند استمداد جست. نزدیک به این معانی در آموزه‌های دیگر معصومان (ع) نیز آمده است: «خداوند از مردم جز دو خصلت نخواسته است، اعتراف به نعمت‌های او تا نعمت را بر ایشان بیفزاید و اعتراف به گناهان تا آن‌ها را بر ایشان بیامرزد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۲۶).

۴. نتیجه‌گیری

با بررسی معنای لغوی شکر و تحلیل مضمون آن در دعای عرفه نتایج ذیل به دست آمد:

- ۱- شکر به معنای تصور نعمت و اظهار آن، زمانی منجر به شکر حقیقی می‌شود که ادای حقّ منعم یعنی کسب رضایت او مد نظر باشد.
- ۲- از سراسر دعای عرفه ۷۰ مضمون پایه برای شکر استخراج شد که ترکیب و تلخیص آن‌ها ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده را به دست داد. در نهایت ۳ مضمون فراگیر به مثابه ابعاد اصلی شکر در این دعا، استنباط گردید.
- ۳- مضمون فراگیر «نعمت‌شناسی» مشتمل بر این مضامین سازمان‌دهنده است: برشماری انواع نعمات، اقرار به غیر قابل شمارش بودن نعمات، علل غیر قابل شمارش بودن نعمات و تاکید بر شمارش نعمات در عین بی‌شماری آن‌ها.
- ۴- مضمون فراگیر «چرایی حمد و شکر» مشتمل بر این مضامین سازمان‌دهنده است: شناخت و وصف منعم، وصف انعام منعم و فوائد شکر.
- ۵- مضمون فراگیر «چگونگی حمد و شکر» مشتمل بر این مضامین سازمان‌دهنده است: نفی امکان ادای حق شکر، علل عدم امکان ادای حق شکر، جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده.
- ۶- در این دعا، شکرگزاری با نعمت‌شناسی و نعمت‌شماری آغاز می‌شود و بیان اوصاف انعام منعم که یگانه است و کریمانه نعمت می‌بخشد، چرایی شکر را تبیین می‌کند و با اذعان به عدم امکان شکرگزاری حقیقی، به جلوه‌های شکرگزاری در حد وسع بنده رهنمون می‌شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
اخوان‌مقدم، زهره، و زهرا حبیب‌پور. "تحلیل محتوای دعای عرفه منسوب به امام حسین (ع)". پژوهشنامه معارف حسینی، ۸(۱۳۹۶): ۹۹-۱۱۶.
پسندیده، عباس، الگوی اسلامی شادکامی بارویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، قم، دارالحديث، چاپ سوم، ۱۳۹۵ش.
توانایی، محمدحسین، و فاطمه کاظم‌خلج. "شیوه‌های تقویت باورهای اعتقادی در قرآن کریم و دعای عرفه امام حسین (ع)". قرآنی کوثر، ۶۰(۱۳۹۶): ۶۷-۹۴.
جعفری، محمدتقی، نبایش امام حسین در عرفات، بی‌جا، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ پنجم، ۱۳۹۲ش.

